یادداشت

به بهانه فضاسازی‌ها برای انتخاب استاندار فارس

مهدی توکلی
روزنامه‌نگار و فعال اجتماعی

مشاهده فهرست اسامی پیشنهادی برای تصدی استانداری فارس برایم جالب و تأمل‌برانگیز بود. منکر خدمات افرادی که نام‌شان در این فهرست‌ها به چشم می‌خورد، نیستم و می‌دانم انگیزه این عزیزان در صورت تصدی پست‌های مدیریتی خیر است.

اما پرواضح است که استان بزرگ و البته محروم فارس که همیشه به آن به چشم یک استان برخوردار نگاه شده است، نیازمند یک وزنه قوی‌تر و بانفوذتر در سطوح مختلف حاکمیت است.

جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان، ریاست محترم جمهور
جناب آقای دکتر محمدرضا عارف، معاون محترم رئیس‌جمهور
جناب آقای اسکندر مؤمنی، وزیر محترم کشور
و مجمع نمایندگان محترم فارس در مجلس شورای اسلامی

صحبت از فارس به‌عنوان یک استان محروم آن‌قدر واضح است که راحت‌ترین آدرس برای بیان این محرومیت‌ها همین بس که مرودشت همان شهرستان محل استقرار میراث جهانی تخت جمشید و نقش رستم است که از آن به‌عنوان مهد تمدن ایران یاد می‌شود، یک ترمینال مسافربری ندارد و تنها شهری است که در بین مسیر راه‌آهن شیراز-اصفهان از ایستگاه راه‌آهن آماده برخوردار نیست. در فارس از لار تا آباده، از سپیدان تا نیریز، از کازرون و نورآباد تا داراب استانی به این وسعت با تنوع فراوان آب‌وهوایی، تولید محصولات کشاورزی، معادن سرشار و نفت‌خیز بودن و از همه مهم‌تر استانی با ظرفیت‌های بزرگ گردشگری و جاذبه‌های توریستی آن‌قدر کار انجام‌نشده وجود دارد که بی‌تردید جبران آن نیازمند انتصاب یک استاندار قوی و بانفوذ در سطح حاکمیت است و از آنجا که با کمال تأسف در کابینه و در بین وزرای دولت چهاردهم هیچ وزیری از استان پهناور فارس نمی‌بینم، این خلأ اهمیت انتصاب یک استاندار بانفوذ را دوچندان می‌کند. مزید اطلاع مخاطبان این مرقومه به‌ویژه رئیس محترم جمهور اینکه استان فارس به‌عنوان سومین استان تولیدکننده محصولات غذایی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید و ایجاد امنیت غذایی دارد و فقط در یک قلم تلاش گندم‌کاران این استان برای تولید گندم در هر سال باعث صرفه‌جویی بالغ بر ۶۰ هزار میلیاردتومانی دولت می‌شود اما این تلاش و همت نه‌تنها ارج نهاده نمی‌شود، بلکه کشاورزان عزیز ما در دریافت مطالبات خود چه رنج‌هایی که متحمل نمی‌شوند و با وجود چنین خدمتی که قاعدتا بزرگ‌ترین کمک به دولت و کشور است اما استحضار دارید که این خدمت به قیمت نابودی منابع آب زیرزمینی و قربانی‌شدن فارس در راستای استقلال غذایی کشور است و سؤال اینجاست که آیا با وجود این خدمات تاکنون استان فارس حتی به حداقل‌ترین شکل ممکن مورد توجه و عنایت قرار گرفته است؟ قطعا این اتفاقات محدود به کشاورزی نیست. در معادن خرمبید و آباده و اقلید و ارسنجان و نیریز شاهد تلاش گسترده برای بهره‌برداری از معادن هستیم. در خشت و کنارتخته و کازرون و سروستان و لار و لامرد و مهر صنعت نفت گسترده شده است. در داراب و زرین‌دشت و جهرم و میمند و فسا تولید مرکبات را می‌بینیم. در مرودشت و پاسارگاد و فیروزآباد و کازرون و شیراز آثار بسیار ارزشمند باستانی و ملی و ادبی و... وجود دارد و شهر شیراز امروز به‌عنوان مرکز فرهنگ و ادب این سرزمین مهاجرپذیرترین شهر کشور بعد از پایتخت شناخته شده و علاوه بر مهاجرپذیری از شهرستان‌های استان فارس از استان‌های هم‌جوار و جنوبی و اغلب غربی کشور مانند بوشهر، هرمزگان، خوزستان، کهگیلویه، سیستان‌وبلوچستان و ایلام شاهد مهاجرت به این استان و به‌ویژه به شهر شیراز هستیم و این در حالی است که به دلیل کمبود کارخانجات و صنایع درآمدزایی شهرداری‌ها در این استان، برای خدمات‌دهی برخلاف استان‌های صنعتی مشکلات عدیده‌ای رخ می‌دهد و جمیع این موارد تأییدکننده این توقع مردم فارس از رئیس‌جمهور محترم است که نگاه‌شان به این استان یک نگاه ویژه و ملی باشد و در انتخاب استاندار و حتی دیگر مدیران این استان افرادی توانمند، شایسته و در تراز ملی به کار گرفته شود و با وجود خدمات فراوانی که مردم این دیار به کشور عزیزمان داشته‌اند، این انتظار نابجا نبوده و نخواهد بود. در انتها ضمن قدردانی از خدمات و تلاش‌های همه مسئولان فارس از گذشته تا به امروز خاطرنشان می‌شود که منکر توانمندی و تلاش هیچ‌کدام از خدمتگزاران این استان نبوده و نخواهیم بود و آنچه گفته شد، قطعا نافی زحمات این عزیزان نیست اما واقعیت موضوع را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: نجات استان فارس نیازمند نگاه ملی، توجه ملی و سکانداری مدیرانی در تراز ملی است که امیدوارم مورد توجه دولت محترم و شخص رئیس‌جمهور محترم قرار گیرد.

سیاست فرهنگی در زمانه تقدم اقتصاد بر فرهنگ

ادامه از صفحه اول

بی‌شک برشمردن سیاهه این وضعیت و مسائل‌کنونی فرهنگ و هنر در این یادداشت مختصر نمی‌گنجد، اما می‌کوشم به بنیادی‌ترین آنها گریزی و اشاره‌وار نقبی بزنم.

۱. در زمانه‌ای که به قول رهبر انقلاب اقتصاد بر فرهنگ اولویت دارد، می‌توان درک و به چشم شهودی فهم کرد که در فرهنگ هم بیش از هر اصل دیگری که در سیاست‌گذاری وزارت فرهنگ باید تقدم داشته باشد، «اقتصاد فرهنگ» است. وضعیت کنونی فراشد انباشت بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روابط خارجی است که برخی از آن به ابربحران تعبیر می‌کنند. همین وضعیت بود که حاکمیت تصمیم گرفت تغییرات در آرایش سیاسی و انتخابات را بپذیرد. در چنین جغرافیای اقتصادی‌ای، به‌طور طبیعی، وضعیت کسب‌وکارهای فرهنگی و هنری در فراشد وخیم‌ترین، اگر نگوییم بحرانی‌ترین، وضعیت تاریخی خود به سر می‌برد.

روزگاری نه‌چندان دور، مدیران این کسب‌وکار در فکر رونق و رشد و نه توسعه و سرمایه‌گذاری افزون‌تر بودند و آرزوهای آینده‌نگرانه‌ای داشتند. امروز همه این آرزوهای بزرگ به امری کوچک اما واقعی اینجایی و اکنونی فروکاسته شده، اگر نگوییم سقوط کرده است؛ رؤیای زنده‌ماندن و آرزوی بقای کسب‌وکار برای آنهایی که ماندند، نه آنهایی که رفتند. این واقعیت مشهود که نشانه‌هایش در هر کوی و برزنی در شهرهای ایران هر روز به‌گونه‌ای رخ می‌نمایاند و کاهش آشکار آمارهای تولید محصولات فرهنگی و هنری خود را بی‌نیاز از هر تحقیق و مطالعه‌ای کرده، تصورش موجب تصدیق بدیهی است. چنین وضعیتی الزاماتی دارد که کمترین آن، پرهیز از سیاست و برنامه فرهنگی «شکوفایی و توسعه و رونق فرهنگ و هنر» است که به‌واقع، بذر و نهال کاشتن در زمین سیل‌زده است. مسئله عاجل و فوری وزیر و مدیران عالی فرهنگ مانند طبیبی است که بر سر تخت بیماری حاضر می‌شوند که از درد و رنج بیماری ریشه‌دارش آه و ناله سر می‌دهد. چاره آن فوریت‌های پزشکی است، نه به جهان زیبا و بهشت‌آسای آینده وعده‌دادن.

در این هنگامه و بحبوبه بحران اقتصاد کسب‌وکار، مسئله اصلی وزارت فرهنگ، بازکردن گره‌های موجودی است که این بیماری را تشدید و وخیم کرده یا می‌کند. بخشی از این گره‌ها در درون وزارت فرهنگ است و البته نه تمامیت آن. اقتصاد فرهنگ و هنر جزیره‌ای مستقل از کل اقتصاد کشور نیست و گره‌های اصلی آن در توان و عزم درون ریاست‌جمهوری و نهادهای اقتصادی و سیاست خارجی و بلکه اراده کل نظام است و به دست آنها گشوده می‌شود؛ همان امری که امروزه اولویت نظام نامیده شده است.

اما در قلمرو اختیارات و امکانات محدود وزارت فرهنگ، نگاه و بینش در تعیین سیاست و برنامه و انتخاب مدیران دانا، توانا و دلیر، نگرش و رویکرد احیا و بازپروری اقتصاد کسب‌وکارهای فرهنگی و هنری است. در این سال‌ها، در وزارت فرهنگ نگرشی اغراق‌آمیز و در قیاس گزاف‌گونه‌ای اقتصاد فرهنگ و هنر ایران با کشورهایی مانند چین و آمریکا و حسرت درآمدهای میلیارد دلاری آنها به اقتصاد دیجیتالی و بازارهای رایانه‌ای فروکاسته شده و نگاه‌شان از فرش به عرش خیره مانده است. اقتصاد فرهنگ و هنر به معنای واقعی و عینی همین اقتصاد خرد کسب‌وکارهای موجود و سابقه‌داری است که در این سرزمین، تباری کم‌وبیش صدساله دارند. نباید امر عینی را به امری ذهنی معاوضه و نقد را با نسیه معامله کرد و در این وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بحرانی و وخیم، به شاید و اما و اگرها و وعده‌های چنان و چنین خواهد شد، دل سپرد.

در این زمینه، دغدغه اصلی مدیران عالی و میانی وزارت فرهنگ می‌تواند این باشد که چه کار خرد نه کلان و ساختاری (که امروزه در مقدرات این دولت و زمانه نیست)، در زمینه مجوز بنگاه‌ها و آثار فرهنگی و هنری می‌توان به کار بست که این اقتصاد بی‌رمق و بقاجو، جانی دوباره گیرد. در مورد یارانه‌های فرهنگی و هنری، به جای نگاه نقطه‌ای و محصول‌محور و توزیع پول و کالاهای اساسی مانند کاغذ به صورت مستقیم که زاییده نگرش تولیدمحوری کمیت‌گرا و هدفش نمایش رشد آمارهای تولیدی که با فساد همزاد است، یا برپایی جشنواره‌ها و فعالیت‌های ریز و درشت دولت‌محور با توهم فرهنگ‌سازی و ارتقای فرهنگ حقیقت‌گرا و محصولات فاخر و آثار ارزشمند، نگاه باید به شبکه و چرخه تولید و بازسازی فرایندهای تولید بازگردد. برای نمونه، در زمینه نشر کتاب، جایگاه ناشران در چرخه تولید همان‌قدر مهم است که منافع و مصالح نویسنده و کتاب‌فروش و... . در این نگرش موسع اقتصادی به اقتصاد فرهنگ و نه نگاه فرهنگی و ارزش‌مدارانه و دولتی به اقتصاد فرهنگ، نگاه از محدوده اثر به تمامی نهادها و شبکه فعال در گردش اقتصاد و تولید فرهنگ و هنر و بنگاه‌ها و مناسبات و روابط و پدیده‌های اقتصادی گسترش می‌یابد. همان‌گونه که مصالح و منافع تولید سینما و تئاتر، به تولیدکنندگان و کارگردانان محصور و محدود نیست، همچنان که در زمینه موسیقی، مطبوعات و... چنین نیست. باید از نگاه شکسته فرهنگ‌محوری به اقتصاد، به نگاه جامع‌تر اقتصادمحوری در فرهنگ چشم‌ها را شست و جور دیگری دید. البته این به معنای بازسازی مداخله دولت این بار به نام احیای اقتصاد فرهنگ نباید تلقی شود.

در یک کلام دولت باید موانع بر سر راه تولید را بردارد، نه سیاست مشوقی تولیدهای خاص فرهنگی را مانند گذشته پیش گیرد. به‌عنوان نمونه، معافیت مطلق مالیاتی این بخش می‌تواند یکی از این گره‌گشایی‌ها باشد.

۲. گام دیگری که در توان شخصی دکتر صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به دلیل مقبولیت ایشان در میان حاکمیت و قوای مقننه و قضائیه و مجریه است و در چارچوب اقتصاد فرهنگ هم می‌گنجد و امنیت آن را تضمین می‌کند، ساماندهی و بازتعریف اصل بنیادین مالکیت فرهنگی و هنری و حقوق نویسندگان و مؤلفان، به معنای تمام و کمال آن یعنی حقوق صاحب اثر است. دیرزمانی است که با وجود حرمت اصل مالکیت در فقه و قانون، متأسفانه در قلمرو فرهنگ و هنر هنوز این مفهوم به رسمیت شناخته نشده و گویی هر آنچه در قلمرو فرهنگ و هنر وجود و جریان دارد، مانند اموال انفالی در مالکیت حاکمیت است و هنرمندان و نویسندگان، مستأجران این زمین‌اند که امتیاز بهره‌برداری، به طور مشروط و تا اطلاع ثانوی، به آنها واگذار شده است. این نگرش و سیاست مسلط سبب شده است حق مالکیت هنری و فرهنگی با ضعیف‌ترین تفسیر و ساده‌ترین توجیه قضائی و امنیتی و اداری دستخوش بی‌احترامی که هیچ، بلکه هیچ‌انگاری شود. به دلیل کمترین خطایی، چه اتهامی یا حتی مجرمیت، حق مالکیت نهادهای فرهنگی و هنری پایمال می‌شود، بنگاه‌های کسب‌وکار مانند کتاب‌فروشی‌ها تعطیل و بسته می‌شوند، خبرنگاران، نویسندگان، بازیگران، خوانندگان و... از حق تداوم شغل خود محروم و ممنوع‌الکار می‌شوند، برگزاری کنسرت‌های موسیقی و اجرای تئاترها تعطیل می‌شوند. در نگاه مستأجری به مالکیت فرهنگی و هنری، که مقوم بیم و اضطراب دائمی و ریشه‌دار فعالان این قلمرو است، مجازات فعل خطا و حتی غیرقانونی به مجازات نهاد فرهنگی، چه حقیقی و چه حقوقی، تسری و تعمیم داده می‌شود و نهادها به مرگ محکوم می‌شوند. بی‌ثباتی نهادهای فرهنگی و توده‌ای‌شدن وضعیت فرهنگ و هنر در جامعه امروز در همین نگرش و سیاست ریشه دارد. در تجربه جهانی اگر نهادها ریشه‌هایی چندصدساله دارند، به این دلیل است که این نهادها از فاعل و فعل آنها محترم‌ترند. این پدیده فزاینده و عادی‌شده که به فرهنگ و فطرت ثانوی نهادهای امنیتی و قضائی و نظام اداری مبدل شده است، بیش از آنی و فوق‌العاده کاری است که در نظام اداری به نام نظارت و ممیزی، حقوق مالکانه صاحبان اثر فرهنگی و هنری در همه بخش‌های کتاب، مطبوعات، سینما، تئاتر و... به نام «رأی کارشناسی» انجام می‌شود و پایمال می‌شوند. اگر مالکیت محترم است، سلب مالکیت از صاحب و مالک هنری و ادبی هم حقی است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را سلب کند، مگر به حکم قاضی در فرایند دادرسی عادلانه. احیای این حق ترجمان همان تفسیر عدالت علوی است که رئیس‌جمهور همگان را به مراعات آن فرامی‌خواند که شاید باید همین اصل شیعی در تحقق شعار «دولت وفاق ملی» در جمهوری اسلامی مبنا باشد.

۳. تحولات امروزین در نگرش و آگاهی برخی اصناف و اتحادیه‌های صنفی بنگاه‌های فرهنگی و هنری با ادوار گذشته، از مشروطیت تا امروز، قابل قیاس و سنجش نیست. رشد روزافزون و نسبی آگاهی و توقعات و انتظارات بحق، به طور نسبی و نه فراگیر آنها ویژگی متمایز و بارزی دارد که شاید بتوان آن را شکل‌گیری پدیده نوظهور «خودآگاهی صنفی» نام نهاد. این خودآگاهی صنفی که فراورده و رهاورد تجربه زیسته و تراکم و انباشت دانش ضمنی آنها در دهه‌های گذشته است، امری مستقل از خودآگاهی انتقادی و گاه اعتراضی گروه معلمان، کارگران، کارمندان، پرستاران، بازنشستگان، جوانان، زنان و... نیست. جامعه امروز، همان‌گونه که دکتر صالحی در سخنرانی خود در مجلس به‌خوبی بیان کرد، جامعه دیگری و از جنسی متفاوت است که آگاهی و عزم و اراده آن چندان به آموزه‌های تعلیمی دانشگاهی و بیانیه‌های حزبی و شعارهای سیاسی پیوندی متناظر و یک به یک ندارد. جامعه امروز جامعه مطالبه‌گر است، نه مطالبه ناحق بلکه پیگیری مضمون همان شعارها و وعده‌های انقلاب اسلامی در تأسیس جمهوری اسلامی است؛ یعنی حق تعیین سرنوشت مردم به دست خود مردم و حق تصمیم‌سازی درباره امورات صنفی به اصناف. در این زمانه، با این اصناف به زبان بوروکراتیک و رویکرد «مشارکتی» با نظام اداری نمی‌توان همدردی و همدلی کرد. مشارکت که به معنای مشارکت این نهادها با نظام بوروکراتیک و در فرایندهای ساختاری نظام تصمیم‌سازی دولت‌محور است، با روح و زمانه امروز تناسبی ندارد و به ابزاری فرسوده و فرتوت و گاه پنهان‌سازی صورت‌مسئله مبدل شده است. عدالت فرهنگی به‌مثابه «اعاده حق فرهنگی» اقتضا دارد که حق به حق‌دار سپرده شود. این رویکرد دینی و حتی ملی که در این سرزمین، داد و عدل ریشه چندهزارساله دارد، به اقتضای زمانه و بحران ناکارآمدی دولت نیازمند نوسازی در نگرش سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگی است. ترجمان ساده این اصل به معنای این است که با تفسیر موسع خردمندانه و دادورزانه از مردم‌سالاری دینی، هر کاری و امری که حق مردم و نهادهای صنفی و اتحادیه است، به آنها واگذار شود و دولت از این حوزه‌ها پا پس بکشد و از سر راه آنها کنار برود و امورات مجوزی و فعالیتی و تا حدی نظارتی را به آنها بسپارد و حق تاریخی سلب‌شده آنها را به خودشان بازگرداند. چرا باید هنوز در جهان دیجیتال و هوش مصنوعی و انقلاب ارتباطات و اطلاعات و جهانی‌شدن شهروندی در عین باور به زیست محلی و بومی اندیشیدن، مجوزهای صنفی را هنوز دولت صادر کند؟ امری که حتی در روسیه دیکتاتوری و استبدادی امروز هم مجوز پیش از نشر کتاب صادر نمی‌شود. در این زمینه‌ها، اصناف و اتحادیه‌های صنفی امروز بیش از هر زمان دیگری صلاحیت و شایستگی و مشروعیت، بیش از مدیران سیال فرهنگی و هنری، با حفظ به کوشش‌های آنها، برای تثبیت و انتظام‌بخشی به امورات صنفی خود را دارند و بیش از هر شعار جذابی، شایسته آن هستند. شایسته‌سالاری فقط جوان‌گرایی و زن‌گرایی در مدیران دولتی نیست، بلکه واگذاری امور دولتی به اتحادیه‌های صنفی است. امروزه، سرمایه دانایی ضمنی و توانایی تخصصی مدیران بنگاه‌ها و اصناف فرهنگی و هنری، با همه کاستی‌ها و ضعف‌های آن، می‌تواند در برون‌رفت از بحران اقتصاد فرهنگ و هنر راه‌گشا و بن‌بست‌شکن باشد. این به معنای مشارکت مردم با دولت نیست، بلکه فراتر از آن، به معنای تحقق عدالت فرهنگی در نظام تصمیم‌سازی درباره امورات و مسائل اقتصاد فرهنگی و هنری است؛ یعنی حق را به صاحب حق بازگرداندن.

سیاست فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمانه امروز که عینیت جامعه ده‌ها سال از ذهنیت حاکمیت پیش‌تر و به‌روزتر است، یک شاخص مهم و اساسی و به یک معنا، یک مزیت نسبی و یگانه‌ای باید داشته باشد و آن تمایزگذاری آگاهانه و درایت‌مندانه با سیاست‌های فرهنگی گذشته است. در زمانه‌ای که اقتصاد بر فرهنگ و نگرش اقتصادی به فرهنگ اصالت و تقدم می‌یابد، نیازمند تحولی در گفتمان و سرمشق (پارادایم) سیاست فرهنگی، و به زبانی دیگر جوان‌سازی سیاست فرهنگی و هنری به دست مدیران مجرب و خبره یا مدیران جوان دانا و توانا است، نه بازخوانی «دولت فرهنگی» با پیشینه‌ای از دهه ۴۰ تاکنون به زبان و کلام بوروکراتیک جوان‌نمایانه.

خبر

درخصوص سیستم‌های هوشمند ترافیک وضعیت خوبی نداریم

رئیس کمیسیون حمل‌ونقل و ترافیک شورای شهر تهران درباره آمادگی حمل‌ونقل عمومی برای ابتدای مهرماه گفت: بعید است در حمل‌ونقل عمومی تا ابتدای مهرماه تحول خاصی اتفاق بیفتد.

سیدجعفر تشکری‌هاشمی در پاسخ به این پرسش که با توجه به نزدیک‌شدن به ایام بازگشایی مدارس و افزایش سفرها در مهرماه از نظر شما وضعیت حمل‌ونقل عمومی به چه صورتی است؟ گفت: هرساله در سه‌ماهه اول سال درباره سال تحصیلی برنامه‌ریزی‌ها را انجام می‌دهیم.

وی ادامه داد: با توجه به خلوتی شهر و کاهش سفرهای مردم و تعطیلی دانشگاه‌ها و مدارس فرصت خوبی است که نواقص سیستم حمل‌ونقل را رفع کرده تا این سامانه بتواند پاسخ‌گوی انبوه سفرها در ابتدای مهرماه باشد. رئیس کمیسیون حمل‌ونقل و ترافیک شورای شهر تهران تصریح کرد: اطلاع دقیقی از اینکه در این مدت چه کاری انجام شده ندارم، اما آنچه دیده‌ام و بر اساس گزارش‌هایی که در جلسات از سوی شهرداری تهران به ما ارائه شده است، بعید می‌دانم در حمل‌ونقل عمومی در ابتدای مهرماه تحول خاصی اتفاق بیفتد. تشکری‌هاشمی به ایلنا گفت: شرکت‌های اتوبوس‌ساز بر اساس قراردادهایی که دارند به‌طور حداکثر در ماه بتوانند صد دستگاه اتوبوس تحویل دهند. اینکه اتوبوس تحویل داده شود یا نه بحث دیگری است، اما با ماهانه صد دستگاه اتوبوس آن تحول و اتفاق بزرگ عملا نمی‌افتد. وی با اشاره به اقداماتی که در مترو انجام شده است، گفت: البته در مترو اقدامات خوبی صورت گرفته است. بحث تعمیرات دوره‌ای واگن‌ها در شهریورماه با جدیت بیشتری دنبال می‌شود و امیدواریم این خرابی‌ها کمتر شود، اما اینکه فکر کنیم به عدد ناوگان اضافه می‌شود، تقریبا جای امیدواری نیست. رئیس کمیسیون حمل‌ونقل و ترافیک شورای شهر تهران با اشاره به تغییر مدیریت در سازمان حمل‌ونقل ترافیک گفت: در صحن شورا نیز در این زمینه تذکر داده‌ام که تغییر و تحولاتی که در بخش حمل‌ونقل در حال انجام است و جابه‌جایی مدیران سازمان ترافیک به نظر من یک کار حرفه‌ای نبود. در این شرایط که باید همه توان برای اداره بهتر ترافیک شهری گذاشته شود، جابه‌جایی مدیران یک کار غیرحرفه‌ای است و مطمئنا می‌تواند اثراتی منفی بر جریان ترافیک شهر بگذارد. تشکری‌هاشمی تأکید کرد: امیدواریم در این چند روز باقی‌مانده، مدیران شهری حداکثر استفاده را ببرند و سیستم‌های هوشمند را فعال کنند. در حال حاضر سیستم‌های هوشمند وضعیت خوبی ندارند.

جدول ۴۸۵۹ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- به هیچ وجه- فیلمی ساخته ساموئل خاچیکیان و بازی سعید راد- از ابزار هنر خوشنویسی ۲- مأمور تعویض نگهبانان- بخشی کوچک از یک نوشته ۳- نوعی بیماری وبا- سوغات تابستان- افسانه‌گو ۴- حسد- پاک از تهمت- سهل‌انگارانه ۵- درمان‌کننده- میل جنسی- خسیس پس نمی‌دهد ۶- تیر پیکاندار- دیسک ویدئویی دیجیتال- مهم‌بودن ۷- آزمون- بین ساعد و بازو- هیچ‌کاره ۸- نامه‌نگاری- ینگه دنیایی- گلی زیبا ۹- فهرست غذای رستوران- پیشگاه- جانور کیسه‌دار درختی استرالیا ۱۰- تربیت... را چون گردکان بر گنبد است- چشمه‌ای در بهشت- از اندام گفتاری ۱۱- سرچشمه حیات- گلی زینتی- اندک و ناچیز ۱۲- بی‌همتا- واحد اندازه‌گیری حجم مایعات- معدن ۱۳- کرم‌خورده- معصیت- حواری خائن ۱۴- خاکستری تیره- رمان تاریخی شولوخف روسی ۱۵- رودی در مازندران- میوه گرمسیری سرشار از ویتامین- دعایی در مقام امام زمان (عج)

عمودی:

۱- زرنگ و حقه‌باز- خواهش- از القاب اشرافی اروپا ۲- متکا- رمانی از چارلز دیکنز، نویسنده انگلیسی ۳- حداقل- بدنام- داشتن مال و ثروت ۴- پدر عرب- روگردانی- عنصر شیمیایی با نشانه He در جدول تناوبی ۵- قهوه‌ای مایل به سیاه- تحیت- بله روسی ۶- لانه پرنده- از تیم‌های فوتبال باشگاهی ایتالیا- دومین رقم از سمت راست عدد ۷- زبانی از خانواده زبان‌های قفقازی- بهتر- صدای بلند ۸- مشهورترین آمیزه موسیقی و نمایش در تئاتر- نوعی طلاکوب روی جلد کتاب- خط تلفن ۹- آن سوی سقف- جسور- نخستین زن شهید اسلام ۱۰- مترسک- سعادتمند- دست شکسته! ۱۱- یک و یک- رونق- قفسه دکوری جلوی مغازه ۱۲- بریده و قطع شده- پاک و بی‌آلایش- کلمه هشدار ۱۳- زمان ملاقات- قتلگاه- شکستنش افتخار است ۱۴- مهاجم ملی‌پوش تیم فوتبال بارسلونا- قاعده‌ها و اصل‌های پذیرفته‌شده ۱۵- گریزگاه- پرهیزکار- دستور کار

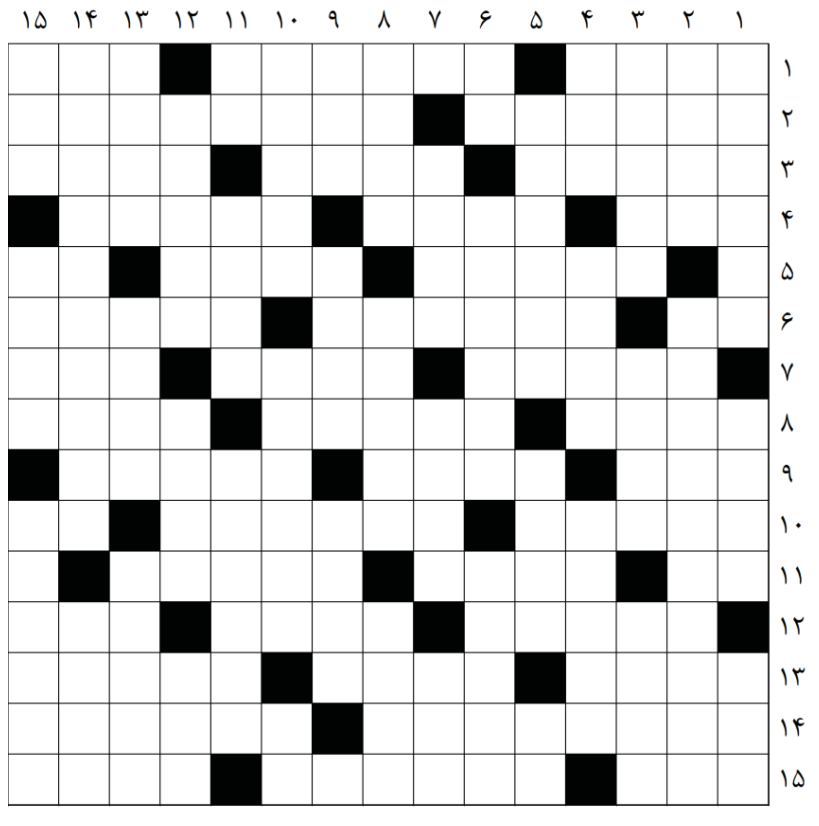

حل سودوکو ۳۸۵۴

۳	۱	۵	۹	۴	۲	۶	۷	۸
۲	۷	۶	۸	۳	۱	۹	۵	۴
۹	۸	۴	۶	۵	۷	۲	۱	۳
۵	۴	۷	۳	۲	۶	۱	۸	۹
۶	۲	۸	۱	۷	۹	۴	۳	۵
۱	۳	۹	۴	۸	۵	۷	۶	۲
۸	۶	۱	۵	۹	۴	۳	۲	۷
۴	۵	۲	۷	۱	۳	۸	۹	۶
۷	۹	۳	۲	۶	۸	۵	۴	۱

۳	۱	۲	۵	۹	۴	۷	۶	۸
۷	۸	۴	۳	۶	۱	۲	۵	۹
۶	۹	۵	۷	۲	۸	۳	۴	۱
۵	۳	۸	۱	۷	۶	۹	۲	۴
۱	۶	۹	۴	۵	۲	۸	۳	۷
۴	۲	۷	۸	۳	۹	۵	۱	۶
۹	۴	۳	۶	۸	۵	۱	۷	۲
۸	۵	۶	۲	۱	۷	۴	۹	۳
۲	۷	۱	۹	۴	۳	۶	۸	۵

حل جدول ۴۸۵۸

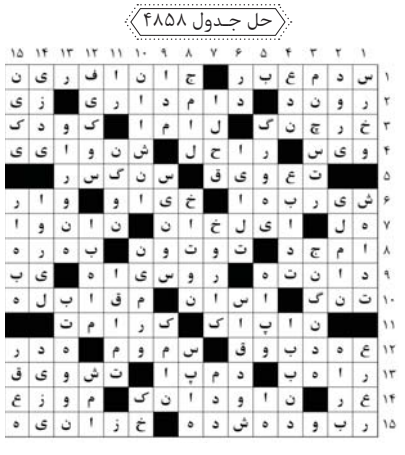

سودوکو سخت ۳۸۵۵

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۴					۳
	۸		۶	۵				
	۶					۵		۴
			۲			۹	۴	
۸	۹						۵	۱
	۷	۴			۵			
۱		۷					۹	
				۲	۸		۱	
۳					۱			

سودوکو ساده ۳۸۵۵

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۵	۴			۷		۶
		۱				۴	۸	
		۴	۷					۵
۲			۸	۵			۹	
۱				۴				۸
	۵			۳	۱			۴
۵					۳	۸		
	۳	۷				۲		
۴		۶			۲	۵		